

دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران

احسان یاری^۱، دانش رضایی^۲

چکیده

یکی از الزامات رشد و توسعه اقتصادی کشورها در جهان کنونی، اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب در راستای تأمین امنیت انرژی‌شان است. با اینکه نوع نگاه به امنیت انرژی از سوی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی متفاوت است، اما می‌توان گفت در برخی موارد امنیت انرژی آنها مکمل یکدیگر است؛ یعنی کشورها با آگاهی از سیاست‌های امنیت انرژی همدیگر، می‌توانند با اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب روابط همکاری جویانه و یا حاصل جمع مضاعف را در پیش بگیرند که حاصل آن افزایش بهره‌وری و سود هم برای مصرف‌کننده و هم تولیدکننده انرژی است. جمهوری اسلامی ایران یک کشور تولیدکننده مهم انرژی منطقه‌ای و جهانی است و نخستین کشور در حوزه خلیج فارس بود که نفت در آن کشف شد. از همان ابتدای کشف نفت تاکنون، انرژی مهمترین کالای استراتژیک صادراتی و یکی از عوامل مهم توسعه و رشد اقتصادی و تحولات این کشور محسوب می‌شود. از اینرو دارا بودن روابط نزدیک با مصرف‌کنندگان انرژی، برای کسب موقعیت بهتر و سود بیشتر در حوزه انرژی، می‌تواند برای ایران حائز اهمیت باشد. در این پژوهش با توجه به جایگاه ویژه انرژی ایران در منطقه و جهان و همچنین اهمیت انرژی (نفت و گاز) در اقتصاد کشور، به بررسی تأثیر دیپلماسی انرژی بر امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. در پایان نیز به ارائه راهکارهایی در حوزه دیپلماسی انرژی پرداخته می‌شود. نگارندگان در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، دیپلماسی انرژی، ج.ا. ایران، سیاست‌گذاری انرژی، انتقال انرژی.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شیراز

مقدمه

کنند. در مقابل کشورهای مصرف‌کننده و خواهان انرژی، امنیت عرضه و دستیابی آسان و با هزینه کمتر به سوخت-های فسیلی (نفت و گاز) را مدنظر قرار می‌دهند. نهایتاً با توجه به عوامل مذکور می‌توان گفت دیپلماسی انرژی بسته به تولیدکننده بودن و مصرف‌کننده بودن نیز متفاوت خواهد بود.

ایران یکی از تولیدکنندگان مهم انرژی در منطقه و جهان است. بیشترین میزان تولید کشور مربوط به سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ (حدود شش میلیون بشکه در روز) است. انقلاب ایران و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ضربه سنگینی بر این صنعت وارد کرد و میزان تولید را به یک میلیون بشکه در روز کاهش داد (Waghshouri, 2015: 8-9). در دهه‌های اخیر نیز تحریم‌های بین‌المللی توانسته است بخش مهمی از تولید و صادرات انرژی این کشور را تحت تأثیر خود قرار دهد. از اینرو می‌توان گفت تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیر بسزایی بر حوزه انرژی و به عبارت بهتر امنیت انرژی دارند. از لحاظ جایگاه انرژی، ایران دومین کشور دارای ذخایر ثابت‌شده نفت (بعد از عربستان) در جهان، چهارمین کشور بزرگ تولیدکننده نفت خام (بعد از عربستان، روسیه و ایالات متحده) و دومین کشور بزرگ تولیدکننده و صادرکننده نفت اوپک بعد از عربستان است. شاخص‌های گاز طبیعی نیز به همان‌سان چشمگیر هستند. ایران دومین کشور بزرگ دارای ذخایر ثابت‌شده گاز (بعد از روسیه) و چهارمین کشور بزرگ تولیدکننده گاز جهان (بعد از روسیه، ایالات متحده و کانادا) می‌باشد. ایران همچنین از مکان استراتژیک نزدیک به بازارهای پرسود انرژی آسیا و نزدیک به اروپا با دسترسی

نفت از اوایل قرن بیستم مصرفی صنعتی یافت و از حد نفت چراغ پا فراتر نهاده و به‌تدریج بر اثر برنامه‌ریزی‌های شرکت‌های نفتی جهان و توسعه حمل‌ونقل مقام پراهمیتی در تأمین انرژی به دست آورد. مواد انرژی‌زای دیگر در برابر این ماده که هم راحت به دست می‌آمد و هم مصرف آن ساده‌تر و سود حاصل از آن نیز برای شرکت‌های دست-اندرکار نسبت به مواد دیگر عظیم و بیکران بود، موقعیت خود را به نفع آن از دست دادند (تانزر، ۱۳۶۲: ۲). نحوه توزیع نفت و گاز در تمام نقاط جهان نشان‌دهنده پراکندگی نامتوازن این منابع در مناطق مختلف است و به همین دلیل معادلات سیاسی-اقتصادی در مناطق برخوردار از نفت و گاز، اثرات فرامنطقه‌ای داشته و مجموع معادلات اقتصادی و سیاسی بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر تقاضای مؤثر برای نفت و گاز، پیش‌شرط رشد مداوم در سرمایه‌گذاری این بخش بوده و بدون تقاضای مؤثر تولید نفت خام و گاز طبیعی در بسیاری از مخازنی که هم‌اکنون در حال تولیداند، فاقد توجیه اقتصادی خواهد بود. به طور تاریخی کشورهای دارای منابع انرژی و کشورهای طالب انرژی هر یک به‌گونه‌ای بخش عمده‌ای از ظرفیت و توانمندی‌های سیاست خارجی خود را صرف تولید، توزیع و تضمین امنیت انرژی ساخته‌اند، با این حال دغدغه‌ی امنیت انرژی آنها با هم یکی نخواهد بود؛ کشورهای تولیدکننده به دلیل وابستگی به درآمدهای حاصل از انرژی، اولویت سیاست انرژی خود را به امنیت تقاضا و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نفت و گاز به منظور تولید بالاتر و به صرفه‌تر و همچنین فروش ایمن انرژی تولیدی خود معطوف می-

دیپلماسی انرژی در امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. نهایتاً با توجه به داده‌های متن و همچنین بررسی جایگاه و نقش دیپلماسی به عنوان متغیر مستقل در امنیت انرژی به عنوان متغیر وابسته، به نتیجه-گیری و ارائه راهکار در حوزه دیپلماسی انرژی کشور می-پردازیم.

مباحث نظری

۱- امنیت

بیشتر نویسندگان بر این اعتقادند که امنیت مفهومی مورد اختلاف است، البته نوعی اتفاق نظر در مورد امنیت وجود دارد به این معنی که، امنیت را رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین تلقی می‌کنند. اما مسئله‌ای که مورد اختلاف است، تمرکز در سطح فرد، ملی یا بین‌الملل است. در دوره جنگ سرد بیشتر نوشته‌ها پیرامون موضوع امنیت تحت سیطره دیدگاه لزوم حفظ امنیت ملی قرار داشت، که عمده‌تاً تعریف آن با اصطلاحات نظامی بیان می‌شد. در هر صورت مفهوم امنیت دارای پیچیدگی‌های خاصی است که مشاء اولیه آن ناشی از ضعف شکل‌گیری این مفهوم و تقلیل آن به کار ویژه‌های نظامی و کشمکش‌های پایان‌ناپذیر قدرت بوده است. (استیو و بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۷۰).

بوزان، ویور و ویلد در کتاب خود با عنوان «امنیت: یک چارچوب جدید برای تحلیل»^۱، یک چارچوب جدید برای امنیت در نظر گرفته‌اند. در این چارچوب جدید، امنیت یک کشور را به پنج بخش امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی،

آسان به فراسوی دریاها برخوردار است. به‌رغم این برتری-های چشمگیر جغرافیایی و زمین‌شناسی، جایگاه کنونی ایران همچنان زیر پتانسیل واقعی‌اش باقی‌مانده است (بهجت، ۱۳۹۳: ۲۰۲).

در این پژوهش با توجه به اهمیت جایگاه انرژی جمهوری اسلامی ایران و نقش انرژی در اقتصاد کشور که به دنبال آنها نقش و اهمیت «امنیت انرژی» برجسته می‌شود، به بررسی نقش و جایگاه دیپلماسی انرژی در امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. بنابراین سؤال و فرضیه را به صورت زیر مطرح می‌کنیم.

سؤال: دیپلماسی انرژی چه تأثیری بر امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه: «دیپلماسی انرژی از یکسو می‌تواند پاشنه آشیل امنیت انرژی ایران باشد، اما از سوی دیگر با به‌کارگیری دیپلماسی انرژی به طور سنجیده و هدفمند، می‌توان با تقویت همکاری و همگرایی منطقه‌ای و جهانی در حوزه انرژی باعث افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش ورود تکنولوژی نوین در صنعت انرژی شد و با کاهش تهدیدات حوزه تولید و افزایش سطح تولید و میزان بهره‌وری انرژی و در نتیجه افزایش صادرات انرژی، به امنیت انرژی پایدار در جمهوری اسلامی ایران دست یافت.»

در این پژوهش ابتدا در بحث نظری به مقوله امنیت، امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی پرداخته خواهد شد. سپس به بررسی دیپلماسی انرژی از منظر تولیدکنندگان انرژی و مصرف‌کنندگان انرژی پرداخته می‌شود و آنگاه جایگاه

¹ Security: A New Framework for Analysis

جامع از امنیت، به نظر می‌رسد باید شرایط خاص در نظر گرفته شود؛ یعنی با توجه به اینکه مفهوم امنیت نیز مانند اکثر مفاهیم علوم انسانی در شرایط مختلف معانی مختلف پیدا می‌کنند (اصل سیال بودن)، باید گفت در موقعیت‌های (مکانی و زمانی) مختلف ممکن است این مفهوم معانی مختلفی پیدا کند. با همه این احوال در این پژوهش، منظور از امنیت، رهایی و خلاص شدن از تهدیداتی است که از سوی محیط داخل و یا خارج، یک موضوع (در اینجا انرژی) را مورد هدف قرار می‌دهند؛ حال آنکه این موضوع مربوط به فرد، جامعه، دولت، ملت یا نظام بین‌الملل باشد.

۲- امنیت انرژی

فرهنگ لغت وبستر و بریتانیکا، انرژی را **توان انجام کار** تعریف نموده است؛ این تعریفی است که از نگاه فیزیکدانان ارائه می‌شود. اما در اینجا منظور از انرژی آن چیزی نیست که آنها مطرح می‌کنند؛ در علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و همچنین در علوم سیاست‌گذاری انرژی، منظور از انرژی: منابع انرژی است که مستقیماً از کره زمین و جو اطراف زمین قابل استحصال است و تحت عنوان «انرژی اولیه» نام‌گذاری می‌شود. این منابع عبارت است از: زغال‌سنگ، نفت خام، گاز، انرژی سنتی (هیزم و فضولات حیوانی) و برق‌آبی و انرژی تجدیدپذیر که خود شامل بیوماس، انرژی خورشیدی، باد، انرژی گرمایش، جذر و مد و زمین‌گرایی است (همان، ۱۲۱-۱۲۲).

تحلیلگران انرژی تعاریف متفاوت از امنیت انرژی ارائه داده‌اند که نشان دهنده جنبه‌های متفاوت این مفهوم است.

اجتماعی و محیط‌زیست تقسیم‌بندی می‌کنند. آنها می‌گویند هرکدام این پنج بعد به نوبه خود ممکن است در معرض تهدید قرار گیرند (Busan & Others, 1998: 22).

بوزان مفهوم امنیت را توسعه‌نیافته می‌داند و عواملی مانند پیچیدگی موضوع، حل‌شدگی امنیت در قدرت، واکنش علیه واقع‌گرایی ملی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده ابزاری از امنیت را در این توسعه‌نیافتگی مؤثر می‌داند. وی معتقد است که امنیت در نبود مسئله دیگری به نام تهدید درک می‌شود و دولت و جامعه را در جستجوی امنیت، گاه هماهنگ و گاه در تقابل باهم می‌بیند. همچنین او موضوع اصلی امنیت را در بقا می‌بیند که شامل سلسله‌مراتب گسترده‌ای از مسائل مربوط به شرایط موجود می‌شود. وی تأکید دارد که امنیت مسئله‌ای بین‌ذهنی^۱ است و رویکرد عینی‌گرایانه ناموفق و فاقد معیارهای مشخص است (Stone, 2009: 1-5).

امنیت مفهومی سیال و در عین حال چندوجهی است که عدم توجه به تمام وجوه آن باعث می‌گردد تعریف دقیق آن دشوار به نظر آید. شاید ساده‌ترین راه برای درک مفهوم امنیت آن باشد که آن را در برابر تهدید بنامیم. امنیت بدین معنا عبارت است از احساس ایمنی (هدایتی‌خیمینی، ۱۳۸۵: ۱۳۸). با وجود اینکه تعاریف مختلفی از مفهوم امنیت شده است، اما در تمامی این تعاریف گزاره مشترکی دارند؛ اکثر نویسندگان مفهوم امنیت را برابر با رهایی از تهدید در نظر گرفته‌اند. در اینجا برای ارائه یک تعریف

¹ Intersubjectivity



عباس ملکی در کتاب خود با عنوان «سیاستگذاری انرژی» می‌گوید برای تصمیم‌گیری در مورد امنیت انرژی باید چهار مفهوم را در نظر گرفت: ۱- قابلیت دستیابی: ۳ این مفهوم به عناصری اشاره دارد که با وضعیت فناوری انرژی در ارتباط هستند و میزان دستیابی به حوزه‌های نفت و گاز را تعیین می‌کند. ۲- در دسترس بودن: ۴ عنصر در دسترس بودن با موقعیت ژئوپلیتیکی انرژی و میزان ذخایر در ارتباط است. ۳- قابل تحمل بودن: ۵ مفهوم قابل تحمل بودن مربوط به قیمت‌های انرژی است. ۴- قابل قبول بودن: ۶ در این مفهوم بیشتر به تعامل انرژی با ایمنی زندگی انسان و مسئله محیط زیست پرداخته شده است.

علاوه بر این تقسیم‌بندی امنیت انرژی به چهار مفهوم بالا، وی برای امنیت انرژی شاخص‌های زیر را ارائه داده است:

الف) شاخص‌های ساده که شامل: تخمین‌های منابع (مقدار واقعی منابع موجود)، نسبت ذخیره به تولید، تنوع (تنوع در نوع انرژی و موقعیت جغرافیایی)، وابستگی به واردات، ثبات سیاسی، قیمت انرژی و شاخص‌های تقاضا.

ب) شاخص‌های تجمعی: در این نوع شاخص‌ها، بسته به ماهیت امنیت انرژی کشور مورد مطالعه (تولید کننده بودن یا مصرف کننده بودن) و ابتکار محقق از ترکیب چند شاخص ساده استفاده شده است (ملکی، ۱۳۹۳: ۱۴۳-۱۲۶).

در این پژوهش، با در نظر گرفتن تعاریف مختلفی ارائه شده از امنیت انرژی، به طور کلی امنیت انرژی را برابر با رهایی

باری بارتون، کاترین ریدول، آیتا رون، و دونالد زمین، امنیت انرژی را به مثابه وضعیتی تعریف می‌کنند که در آن یک کشور و همه و یا بیشتر شهروندان و مشاغل به منابع انرژی کافی در بهای معقول برای آینده پیش‌بینی‌پذیر عاری از خطر جدی یا اختلال بزرگ در خدمات، دسترسی دارند. دانیل یرگین بر انبوهی از بنیان‌های امنیت انرژی تأکید می‌کند. این بنیان‌های امنیتی متنوع و گوناگون هستند؛ کیفیت بالا و اطلاعات به موقع، همکاری میان مصرف‌کنندگان و بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، جریان سرمایه‌گذاری و پژوهش و پیشرفت فن‌آوری (بهجت، پیشین: ۲۲).

در گزارش اجلاس جهانی اقتصاد^۱، امنیت انرژی یک واژه چترگونه^۲ در نظر گرفته شده است، که این مفهوم چترگونه می‌تواند نگرانی‌های مربوط به انرژی، رشد اقتصادی و قدرت سیاسی را در ذیل خود پوشش دهد. از اینرو این حالت چترگونه امنیت انرژی موارد زیر را از تهدید حفظ می‌کند: امنیت زیرساخت‌ها، امنیت عرضه، امنیت تقاضا، قیمت، رژیم سرمایه‌گذاری، ریسک تروریسم و جنگ، امنیت عایدات انرژی، دستیابی به منابع جدید.

وینزر (۲۰۱۱)، امنیت انرژی را یکی از اهداف اصلی سیاستگذاری انرژی می‌داند. وی می‌گوید این واژه، معنی آشکار و واضحی ندارد و این مسئله باعث شده است که سنجش همه ابعاد این مفهوم سخت و غیرممکن گردد (سوواکل، ۱۳۹۱: ۸۶۸).

¹ World Economic Forum

² Umbrella Term

³ Availability

⁴ Accessibility

⁵ Affordability

⁶ Acceptability

از تهدیدات بخش انرژی تعریف می‌کنیم. این تهدیدات بسته به تولیدکننده و مصرف‌کننده اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. برای کشورهای تولیدکننده تهدیدات مربوط شاخص تقاضا، سرمایه‌گذاری، تولید، نوع عملکرد دیپلماسی انرژی (عملکرد مطلوب و نامطلوب)، ترانزیت و همچنین فروش انرژی (نفت و گاز) را می‌توان نام برد. تهدیداتی که کشورهای مصرف‌کننده انرژی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بیشتر مربوط به عرضه انرژی، تنوع در فروشندگان انرژی و دستیابی به انرژی مناسب و با هزینه کمتر است.

۳- سیاست‌گذاری انرژی

تاکنون به انرژی تنها از دیدگاه مهندسی و برخی اوقات از دیدگاه اقتصادی و فناوری نگاه می‌شده است. در این رهگذر، مفاهیمی مانند بهینه‌سازی، راندمان، تعادل بیشتر مطرح بوده و تصمیم‌گیری نیز بر همین اساس بوده است. پیشرفت‌های اخیر در علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد توسعه، و اقتصاد محیط زیست ابعاد جدید به سیاست‌گذاری انرژی داده است (ملکی، پیشین: ۳۲). امروزه به دلیل وابستگی اقتصادی و جهانی شدن، نوع و میزان رابطه با کشورهای جهان بیشترین تأثیر را در اقتصاد یک کشور ایفا می‌کند. حوزه انرژی نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. علاوه بر خرید و فروش (عرضه و تقاضا) انرژی، عواملی همچون وابستگی تکنوکراتی، وابستگی تکنولوژیکی، وابستگی پولی و مالی (سرمایه-گذاری) و محیط‌زیست پایدار در رابطه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، جایگاه ویژه‌ای دارند. بنابراین سیاست انرژی به مجموعه‌ای به هم پیوسته تبدیل شده است که مربوط به همه کشورها است و به عبارت دیگر

اتخاذ سیاست انرژی یک کشور بدون در نظر گرفتن دیگر کشورها امکانپذیر نخواهد بود. سیاست‌گذاری انرژی عبارتست از چارچوبی از قواعد و طرز تلقی‌های نوشته و نانوشته که عموماً در طول ده‌ها سال ساخته می‌شود. در این چارچوب عمدتاً تمام سطوح حکومتی در یک کشور و همچنین بخش خصوصی دخالت دارد. تأثیرات جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه که لزوماً در نگاه اول به انرژی مربوط نیستند، در تعامل با انرژی مورد بحث قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری انرژی تلاش می‌نماید تا راه‌های تولید و یا مصرف منابع انرژی را اصلاح نماید (Dukert, 2009: 167).

سیاست انرژی زیربنای تدوین و اجرای مجموعه‌ای از اقدامات ناظر بر فعالیت‌های بخش انرژی است. بنابراین می‌توان گفت که سیاست انرژی شامل مجموعه‌ای از اقدامات است که در برگیرنده قوانین کشور، معاهدات و دستورالعمل‌ها است. تدوین سیاست انرژی یک کشور در برگیرنده اقداماتی، همچون مواردی از این قبیل است: برنامه‌ریزی تولید، انتقال و مصرف انرژی؛ قانون‌گذاری در مورد فعالیت‌های تجاری انرژی؛ قانون‌گذاری در مواردی که بر مصرف انرژی تأثیرگذار باشد مانند استانداردهای راندمان انرژی و استانداردهای آلودگی؛ ایجاد نهاد در بخش دولتی انرژی؛ مشارکت فعالانه، هماهنگی و دادن مشوق‌ها در بخش تولید انرژی و تحقیق و توسعه سایر انرژی‌ها؛ اتخاذ سیاست‌های مالی در بخش خدمات انرژی شامل مالیات، معافیت‌های مالیاتی، یارانه و ...؛ همکاری‌های بین‌المللی در بخش انرژی و سایر بخش‌ها؛ تأمین امنیت داخلی انرژی (ملکی، پیشین: ۴۶-۴۵). با همه این احوال می‌توان گفت سیاست انرژی قابل اعمال در داخل و خارج از یک کشور



حوزه انرژی است. مهمترین جنبه‌های فعالیت دیپلماسی انرژی، فراهم آوردن اخبار و اطلاعاتی درباره فرصت‌های صادرات و سرمایه‌گذاری و هماهنگی و کمک برای انجام مأموریت‌هایی در داخل بخش انرژی است. در بعضی موارد سیاستمداران متخصص در زمینه انرژی می‌توانند روابط اقتصادی را از طریق توصیه‌ها و حمایت از شرکت‌های داخلی و خارجی در حوزه نفت و گاز برای تصمیم به سرمایه‌گذاری تشویق نماید (آذری و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

در تعریفی دیگر که توسط اسلامی صورت گرفته است دیپلماسی چنین بیان می‌شود: «اگرچه موضوع انرژی و ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی آن همواره و بویژه طی دو قرن گذشته در کانون تحولات و روندهای بین‌المللی قرار داشته، اما اهمیت و تأثیرگذاری آن بر روابط بین‌الملل به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. در واقع انرژی به یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت در روابط بین‌الملل تبدیل شده است و نقش یک پیش‌ران مؤثر را در پیوند دادن عرصه‌های مختلف سیاست و اقتصاد، اعم از ملی و فراملی ایفا می‌نماید. بر این اساس می‌توان از دیپلماسی نوینی سخن به میان آورد که مأموریت آن پیگیری اهداف و منافع ناشی از تلاقی و تلفیق جغرافیای سیاسیو جغرافیای اقتصادی در چارچوب جغرافیای انرژی است. دیپلماسی انرژی هر کشور مجموعه‌ای از راهبردها، روش‌ها و تدابیری است که در رابطه با مدیریت کلان توسعه منابع انرژی و تولید و مصرف و تجارت حامل‌های انرژی در بستر همکاری و رقابت با دیگر بازیگران این عرصه اتخاذ می‌شود و هدف از آنها بهره‌برداری از فرصت‌ها و به حداکثر رساندن منافع از یکسو و

است؛ سیاست‌های بخش داخلی بیشتر بر مواردی مانند چگونگی تولید، نوع مصرف، چگونگی پراکنده کردن منابع تولیدی و مصرفی و بیشتر بر پتانسیل‌های داخلی توجه دارد. اما سیاست‌های خارجی انرژی از رهگذر دیپلماسی انرژی عبور می‌کنند؛ برای مثال می‌توان به همکاری با کشورهای منطقه و جهان در زمینه‌های مختلف مانند اتخاذ قراردادهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، همکاری در تبادل تکنولوژی و عواملی از این قبیل که تولید، بهره‌وری و سود حاصل از انرژی را افزایش می‌دهند، اشاره کرد.

۴- دیپلماسی انرژی

باتوجه به اهمیت انرژی و جایگاه آن در تعاملات بین‌المللی یکی از لایه‌های مهم و اساسی دیپلماسی کشورها، دیپلماسی انرژی می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت که دیپلماسی انرژی برنامه‌ای است راهبردی، جامع و کارآمد که تعاملات بین‌المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون نموده و چارچوب کلی توافقات را مشخص می‌سازد. کشورهای دارنده منابع انرژی با بهره‌برداری از دیپلماسی انرژی و با اتکا به منابع و امکانات خود در این زمینه، سعی در ارتقای موقعیت و رسیدن به اهداف تعیین شده دارند. در دوران حاضر از دیپلماسی اقتصادی و به طور خاص دیپلماسی انرژی به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف استراتژیک و سیاسی استفاده می‌شود (شهابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

دیپلماسی انرژی، انجام مأموریت‌های دیپلماتیک در حمایت از تجارت کشور و بخش مالی در تشویق موقعیت اقتصادی و اهداف کلان توسعه کشور در بخش انرژی و شامل تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی همانند بخش تجارت در

وضعیت اقتصادی کشور بازنگری کرد. بازنگری در ابعاد اقتصادی در نهایت منجر به تصویب قوانین جدیدی شد که به تسلط بیشتر دولت بر اقتصاد و منابع ملی انجامید. قوانین جدید با هدف ملی‌گرایی بیشتر و توزیع عادلانه‌ی ثروت به ویژه در خصوص منافع حاصل از فروش نفت انجام گرفت (عسگریان، ۱۳۹۰: ۸۱). بعد از انقلاب رویکرد سیاست خارجی مبتنی بر ایدئولوژی تغییرات اساسی بر رویکرد ایران به ماهیت جهان ایجاد کرد. به دلیل استعمارگرایانه نگاه کردن به غرب، تقابل به جای همکاری با غرب در پیش گرفته شد که حوزه‌ی انرژی نیز از این امر مستثنی نبود و تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفته بود. از اینرو ایران تولید و صادرات انرژی و روابط خود را با غرب در حوزه انرژی تا حد امکان کاهش داد. این سیاست‌های جدید باعث کاهش ۷۵ درصدی تولید نفت در طول سال-های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ شد. علاوه بر سیاست‌ها تقابلی ایران با غرب، وقوع جنگ ایران و عراق به همراه تحریم‌های نفتی ایالات متحده آمریکا علیه ایران به این روند نزولی تولید انرژی خصوصاً نفت شدت بیشتری بخشید. پس از پایان جنگ، برای جبران خسارات ناشی از آن و همچنین لزوم افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی، دولت دست به یک سری اصلاحات در سیاست‌های داخلی زد. از اینرو قوانین حوزه‌ی نفتی اصلاح گردید و محدودیت‌هایی که بعد از انقلاب بر سر سرمایه‌گذاران خارجی گذاشته شده بود، کم شد. دولت علی اکبر هاشمی رفسنجانی با اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه با کشورهای اوپک توانست عنوان دومین صادرکننده نفت بعد از عربستان را به خود اختصاص دهد (OPEC, 2004). در پی ادامه سیاست‌های

رفع تهدیدها و به حداقل رساندن آسیب‌ها از سوی دیگر است» (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). بنابراین می‌توان گفت که با داشتن دیپلماسی انرژی می‌توان به مواردی از قبیل، افزایش تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز، بهبود بازار انرژی، کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های تعاملات بین‌المللی در حوزه نفت و گاز، اصلاح الگوی مصرف داخلی و کمک به محیط زیست، دست یافتن به استانداردهای مطلوب بین‌المللی در صنعت نفت و گاز، تقویت حضور بخش خصوصی در بازارهای داخلی و بین‌المللی و نهایتاً تقویت ارتباطات بین‌المللی و شبکه‌های حمل و نقل انرژی دست یافت. تهدیدهای این حوزه شامل ضعف قدرت دیپلماسی ایران (ضعف دستگاه، رویکردهای غیراقتصادی، ضعف توان کارشناسی)، انقطاع نسبی دیپلماسی انرژی کشور از حوزه اقتصادی، کم‌توجهی به نقش کلیدی ایران در ژئوپلیتیک انرژی منطقه-جهان (ذخایر، شاهراه جهانی نفت، انتقال و عبور خط لوله)، نقش حساس و مؤثر ایران در بازارهای جهانی نفت و امنیت عرضه انرژی، کاهش حجم و روند سرمایه‌گذاری انرژی، الگوی نامتعادل و نامناسب مصرف، آسیب‌پذیری در تحولات بازار نفت، فشارهای سیاسی غرب در محدود کردن جمهوری اسلامی ایران در توسعه صنعت انرژی می‌باشد (آذری، پیشین: ۴۱۸).

یافته‌های تحقیق و تحلیل آن

۱- سیاست‌های انرژی ایران

پس از انقلاب و استقرار نظام جمهوری، دولت سیاست‌های جدیدی را در حوزه‌ی داخلی و خارجی تدوین کرد و در



نمود پیدا کرد. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت انرژی خود در حوزه تکنولوژی، سرمایه‌گذاری و همچنین بازار انرژی غرب، در تلاش برای افزایش همکاری با آنها است.

۲- تولیدکنندگان انرژی، امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی

چشم‌انداز امنیت انرژی متناسب با موقعیت و جایگاه هر کشور در این زنجیره ارزشی متفاوت می‌شود. تمایل مستمر صنایع انرژی و مصرف‌کنندگان از یکسو موجب ارزشمند شدن آن در زمان تقاضا شده و از سوی دیگر موجبات نگرانی آنها را اختلالات احتمالی فراهم می‌آورد. از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر امنیت انرژی برای کشورهای تولیدکننده نفت، امنیت درآمد و امنیت تقاضا می‌باشد. دسترسی به ذخایر جدید، توانایی توسعه زیرساخت‌های جدید و رژیم‌های سرمایه‌گذاری پایدار از جمله مؤلفه‌هایی هستند که برای دستیابی به امنیت انرژی برای شرکت‌های نفت و گاز حیاتی می‌باشد (معین‌الدین و انتظارالمهدی، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۱۹۸).

اکثر تولیدکنندگان انرژی به دلیل اقتصاد تک‌محصولی، عمیقاً به عایدات نفتی وابسته‌اند. هرگونه اختلال و کندی در تولید و انتقال انرژی به بازار می‌تواند اقتصاد این کشورها را تحت تأثیر خود قرار دهد. علاوه بر این کاهش قیمت انرژی نیز به دنبال خود چالش‌های اقتصادی به همراه می‌آورد. این نوسانات علاوه بر اقتصاد، در دراز مدت می‌تواند دیگر جنبه‌های یک دولت مانند فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی مشروعیت آن دولت را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. از اینرو برای کشورهای تولیدکننده انرژی ضروری است که

پیشین دولت، سیاست‌های دولت خاتمی بر همکاری بیشتر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان (خصوصاً کشورهای اروپایی) استوار بود. بنابراین می‌توان گفت دو دولت مذکور رویکرد همکاری‌جویانه را در راستای افزایش تولید و صادرات انرژی و به تبع آن تأمین امنیت انرژی کشور در پیش گرفتند.

در چنین شرایطی، بر خلاف دو دولت پیشین که در پی حل مشکل با غرب بودند، احمدی‌نژاد سیاست رویکرد به شرق و جانشینی همکاری با کشورها و شرکت‌های نفتی چین و هند را اتخاذ کرد. سیاست نگاه به شرق و عدم تلاش برای حل مشکل با غرب ناشی از درآمدهای بالای ایران هم بود. درحقیقت، درآمد بالای نفت باعث شد تا در دوران حکومت احمدی‌نژاد، ایران فشار زیادی را در حوزه نفت متحمل نشود و بتواند با مسائل اقتصادی خویش کنار بیاید (عسگریان، پیشین: ۸۶-۸۵).

سیاست نگاه به شرق به دلیل افزایش فشار تحریم‌های بین‌المللی و همه‌جانبه علیه ایران و پیوستن کشورهای شرقی از جمله چین به لیست کشورهای تحریم‌کننده ایران، چندان موفق نبود. تحریم‌های بین‌المللی از طریق کاهش ورود تکنولوژی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی جمهوری اسلامی باعث کاهش تولید و صادرات نفت و گاز شده است. علاوه بر این در سال‌های اخیر، کاهش قیمت نفت به عنوان یکی دیگر از عوامل دخیل در به چالش کشیدن امنیت انرژی جمهوری اسلامی، باعث شده است تا در حوزه انرژی رویکردهای جدیدی پیش گرفته شود. مهمترین اقدام در این راستا، رویکرد اعتدال‌گرایی و دید مثبت به گسترش روابط با غرب است که در مسئله هسته‌ای ایران و مذاکرات

است. بررسی تاریخ مصرف انرژی این کشور می‌تواند به شناخت جایگاه و اهمیت دیپلماسی انرژی برای یک مصرف‌کننده کمک کند. «در پی تعقیب دیپلماسی انرژی، پکن روابط نزدیک خود را با کشورهای که در گذشته روابط کمتری با چین داشتند، گسترش داده است. از سال ۱۹۹۰ به این سو، شرکت‌های ملی نفت چین توجه خود را به آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین جلب کرده و انرژی در روابط پکن و کشورهای دارای منابع فراوان مانند روسیه، استرالیا و کانادا اهمیت فراوان داشت. بعد از دوره اکتشاف یعنی اواسط دهه ۱۹۹۰، شرکت‌های نفتی چینی شروع به سرمایه‌گذاری در کشورهایی مانند، سودان، ونزوئلا، عراق، قزاقستان، اکوادور، اندونزی، ایران و میانمار، در سال‌های پایانی دهه ۹۰ و اوایل سال ۲۰۰۰ کرده‌اند. از زمان به قدرت رسیدن هیو جینتائو، روند روابط چین با کشورهای آفریقایی مثل الجزایر و گابن؛ کشورهای خاورمیانه‌ای مثل ایران و مصر؛ و کشورهای غربی مانند آرژانتین، برزیل، ونزوئلا و کانادا افزایش چشمگیری داشته است؛ نمونه بارز آنها موج سرمایه‌گذاری در توافق سینوپیک با تهران در نوامبر ۲۰۰۴ برای اکتشاف و توسعه میدان نفتی یادواران و همچنین توافق با کاراکاس در دسامبر ۲۰۰۴ برای بهره‌برداری از میدین نفتی در شرق ونزوئلا را می‌توان نام برد» (Tang, 2006: 12-13). بنابراین می‌توان گفت کشورهای مصرف‌کننده انرژی با اتخاذ دیپلماسی انرژی مناسب، فعالانه در تلاش برای ایجاد رابطه با کشورهای تولیدکننده انرژی هستند تا از این طریق امنیت انرژی پایدار برای خود رقم بزنند.

در راستای تأمین امنیت انرژی خود سیاست‌ها و دیپلماسی مناسبی اتخاذ کنند. تنوع منابع عرضه و مناطق عرضه، توسعه زیرساخت‌های انتقال انرژی، جذب سرمایه‌گذاری (خارجی و بومی) در بخش صنعت نفت و گاز، مشارکت فعالانه در بازارهای بین‌المللی انرژی از جمله این سیاست‌هاست.

ایران می‌تواند با استفاده از قابلیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک انرژی خود، ضمن کسب درآمد، از افزایش قدرت اقتصادی خود در راستای توسعه و افزایش قدرت ملی خود در همه ابعاد استفاده نماید. ایران با دارا بودن موقعیت ارزنده‌اش در ژئوپلیتیک انرژی، می‌تواند با ایفای نقش موثری در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی و پیوند زدن منافع و امنیت ملی خود به امنیت انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان، منافع و امنیت ملی خود را نیز تأمین نماید. چیزی که تاکنون در عمل مشاهده شده، بسیار کمتر از ظرفیت بالقوه کشور است و حتی تاکنون بسیاری از موقعیت‌های بالقوه انرژی کشور با کمترین استفاده از دست رفته است و یا نصیب رقیبان منطقه‌ای ایران گردیده است (صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹: ۳۲). از اینرو می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تولیدکننده مهم انرژی، برای تأمین امنیت انرژی خود نیاز دارد تا روابط دیپلماتیک خود در حوزه انرژی را با جهان بازبینی کند و به عبارت دیگر دیپلماسی انرژی فعالی را در پیش گیرد.

۳- مصرف‌کنندگان، امنیت و دیپلماسی انرژی

مصرف‌کننده انرژی به آن دسته از کشورها گفته می‌شود که بیشترین میزان انرژی مصرفی خود را از طریق واردات تأمین می‌کنند. برای مثال چین یک مصرف‌کننده انرژی



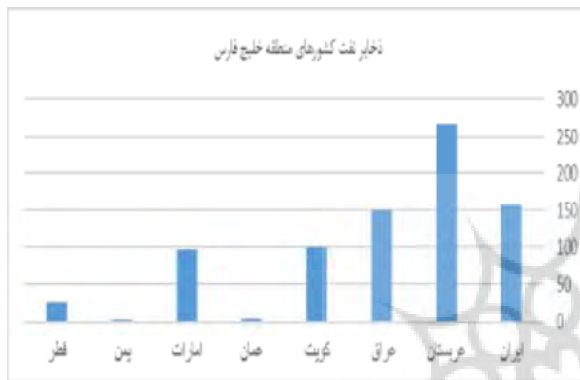
بین روسیه با توجه به داشتن منابع سرشار نفتی و گازی و قرار گرفتن میان اروپا و آسیا (اروراسیا) از نقش ویژه‌ای در زنجیره تأمین انرژی جهانی بازی می‌کند. لذا سیاست انرژی روسیه جهت حفظ جایگاه این کشور در این زنجیره ارزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. دیپلماسی انرژی روسیه جهت ارتقاء موقعیت جهت صدور هرچه فعال‌تر انرژی خود در بازارهای جهانی به قرار زیر می‌باشد: تنوع‌سازی منابع عرضه؛ تنوع‌سازی مناطق عرضه؛ توسعه زیرساخت‌های انتقال انرژی؛ مشارکت فعال در بازارهای بین‌المللی انرژی، بازارهای مالی بین‌المللی و انرژی و سازمانهای بین‌المللی انرژی جهت کسب سرمایه‌گذاری خارجی (معین‌الدینی و انتظارالمهدی، پیشین: ۲۲۴-۲۲۳). با اینکه در بین مصرف‌کنندگان انرژی نیز امنیت انرژی متفاوتی را شاهد هستیم، اما سیاست امنیت انرژی تمامی کشورهای مصرف‌کننده انرژی با مسئله دیپلماسی آنها عجین شده است. از اینرو می‌توان گفت کشورهای مصرف‌کننده انرژی برای تأمین امنیت عرضه مداوم انرژی نیاز به دیپلماسی قوی انرژی و ارتباط گسترده با تولیدکنندگان انرژی دارند. دیپلماسی قوی از یکسو امنیت انرژی کشور مصرف‌کننده را تأمین خواهد کرد و از سوی دیگر در صورت موفقیت آن در زمینه سرمایه‌گذاری در کشورهای دارای انرژی، سودهای هنگفتی را برای سرمایه‌گذاران آن کشور به ارمغان خواهد داشت.

۴- رقابت منطقه‌ای، دیپلماسی و امنیت انرژی ایران

براساس داده‌ها و آمارهای معتبر جهانی، جمهوری اسلامی ایران از لحاظ منابع انرژی و به عبارت بهتر ژئوپلیتیک انرژی جایگاه ویژه و برجسته‌ای در منطقه و جهان دارا است

کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای صنعتی در قرن بیست و یکم با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال پیشرفت در تمام زمینه‌ها به‌ویژه اقتصاد می‌باشند. بگونه‌ای که رقابت پایاپای و فشرده‌ای با یکدیگر دارند. در این میان باتوجه به پیوند رشد اقتصادی و وجود منابع انرژی، موضوع عرضه و تقاضای ایمن و بدون وقفه انرژی در غالب بحث «امنیت انرژی» تبدیل به یکی از مهمترین موضوعات سیاست خارجی دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل گردیده است. از یکسو با در نظر گرفتن اختلالی که در عرضه و تقاضای انرژی رخ داده و از سوی دیگر رشد مضاعف سرانه مصرف انرژی کشورهایی چون چین و هند و همچنین قرار گرفتن بیشتر منابع انرژی در مناطق کشورهای آن منطقه از دید دولت‌های غربی از رژیم‌های سیاسی باثباتی برخوردار نیستند. از سویی دیگر موجبات نگرانی‌های فزاینده کشورهای صنعتی به‌ویژه غربی را فراهم آورده است. لذا هرکدام از کشورها با توجه به موقعیت خود در بازار جهانی انرژی و باتوجه به موقعیت خود در چینه‌بندی قدرت در عرصه روابط بین‌الملل استراتژی مشخصی را در بحث امنیت عرضه و تقاضای انرژی در پیش گرفته‌اند. بطور مثال کشورهای اروپایی چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های متقابل در زمینه انرژی برای اطمینان از تأمین آن را در پیش گرفته است. در مقابل ایالات متحده استراتژی یک‌جانبه‌گرایی، جنگ و اشغال مستقیم و تغییر ساختار سیاسی کشورهای دارنده انرژی و تصرف فیزیکی منابع نفتی برگزیده و کشورهایی چون چین، هند و ژاپن انعقاد قراردادهای درازمدت با کشورهای تولیدکننده انرژی و سرمایه‌گذاری در صنایع انرژی آن کشورها را دستور کار قرار داده‌اند. در این

کشورها در حوزه دیپلماسی انرژی با برنامه‌ریزی بیشتر و فعال‌تر عمل کنند، به صورت مستقیم و غیرمستقیم جایگاه انرژی جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار خواهد گرفت.



نمودار ۱) ذخایر اثبات شده نفت در کشورهای خلیج فارس برحسب هزار میلیون بشکه (BP:2015)^۱

برای مشخص کردن دیپلماسی ایران به صورت مقایسه عمل می‌کنیم؛ یعنی با توجه به رقابت‌هایی که بین ایران و دیگر کشورهای منطقه وجود دارد، براساس میزان موفقیت کشورها در حوزه دیپلماسی انرژی جایگاه دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران را می‌سنجیم. بنابراین با در نظر گرفتن این نکته که غفلت ایران در حوزه دیپلماسی انرژی راه را برای دیگر رقبا برای افزایش توان دیپلماسی خود هموار خواهد کرد و با استفاده از مقایسه آمار تولید انرژی کشورهای رقیب با تولید ایران به دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر پرداخته می‌شود. طبق گفته کارشناسان، نرخ تولید سالانه مخازن نفتی به خاطر دلایلی همچون افزایش عمر مخازن و سپری کردن

(نمودار ۱). بطوریکه هم در تولیدات گازی و هم نفتی در زمره رتبه‌های برتر جهانی و منطقه‌ای قرار دارد. از سوی دیگر اقتصاد کشور به انرژی و عایدات و درآمدهای نفتی وابستگی نسبتاً زیادی دارد به طوری که بیشترین سهم بودجه کشور از درآمدهای انرژی به دست می‌آید. می‌توان گفت نفت علت بسیاری از نوسانات سیاسی و اقتصادی ایران و یکی از مهمترین فاکتورهای توسعه ناموزون و نامتعادل بوده است. در چند سال اخیر نیز شاهدیم که کشورهای تحریم‌کننده ایران، از نفت و درآمدهای نفتی به عنوان اهرمی موثر جهت فشار بر اقتصاد ایران استفاده نموده‌اند. از اینرو توجه به امنیت انرژی از سوی سیاست‌مداران و اقتصاددانان امری ضروری و حیاتی است. در این راستا اتخاذ دیپلماسی مناسب در حوزه انرژی برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم خواهد بود.

تحلیل دیپلماسی انرژی در سطح منطقه‌ای ناظر بر واکاوی وابستگی‌های در هم‌تنیده و کنشگران عرصه انرژی و همچنین رقابت‌ها پیدا و پنهان آنها براساس تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و سیاسی میان کشورهای مناطق مختلف جهان می‌باشد (اسلامی، پیشین: ۱۹۵). رقابت‌های منطقه‌ای در جهت دستیابی به بازار انرژی، جذب سرمایه‌گذاری و ورود تکنولوژی و همچنین افزایش میزان تولید می‌تواند امنیت انرژی کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس را با چالش مواجه سازد. عربستان، عراق و قطر کشورهایی هستند که در صنعت نفت و گاز و امنیت انرژی، رقیب منطقه‌ای چالش‌برانگیزی برای جمهوری اسلامی ایران هستند. با توجه به این رقابت‌ها، می‌توان ادعا کرد که هرچه این

^۱ BP Statistical Review of World Energy June 2015 (bp.com/statisticalreview, observed at 1/2/2016)



استخراج گاز تا حد ممکن می‌باشند تا سیاست پیشدستانه- ای را در برابر یکدیگر ایجاد نمایند. تحریم‌های اخیر باعث شده است تا قطر از فرصت پیش‌رو استفاده کند و سطح تولید گازی خود را افزایش دهد. همانطور که در نمودار ۲ می‌بینید در چند سال اخیر میزان تولید گاز این کشور رشد فزاینده‌ای داشته است و این به مثابه متضرر شدن جمهوری اسلامی ایران است؛ از یکسو بازار گاز ایران دچار اختلال شده و از سوی دیگر با افزایش بهره‌برداری و استخراج از پارس جنوبی به امنیت انرژی ایران خدشه وارد



می‌شود.

نمودار ۲) وضعیت تولید گاز قطر (میلیون تن معادل نفت)

ایران به طور فزاینده‌ای به منابع زیرزمینی پارس جنوبی وابستگی پیدا نموده است تا جایی که آن را در مسند برنامه‌های توسعه اقتصادی خود قرار داده است. این وابستگی به چنان میزانی رسیده است که در بدترین سناریوی ممکن، تحرکات تهدیدسازانه و غیراجماعی علیه تولیدات و استخراج بیشتر قطر در پیش خواهد گرفت. در حقیقت، طراحان توسعه نفت و گاز دو کشور به طور فزاینده‌ای این منابع گازی مشترک را به عنوان بازی با حاصل جمع صفر شناسایی نمودند. علاوه بر صنعت گاز،

نیمه عمر مخازن و رفتن به نیمه عمر خود و همچنین فقدان پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب جهت حفظ و یا افزایش فشار مخازن، کاهش پیدا کرده است. برای حفظ تولید و یا افزایش میزان تولید به سرمایه‌گذاری نیاز است. این سرمایه‌گذاری‌ها باید به پروژه‌های میدان‌های نفتی، حفاری و اکتشاف جهت توسعه میدان‌های نفتی که با کاهش نرخ تولید مواجه هستند، اختصاص داده شوند. علاوه بر این به توسعه میدان پارس جنوبی و افزایش فشار مخازن برای تثبیت و تقویت تولید نیز می‌تواند کمک کند. در صورت عدم به‌کارگیری دیپلماسی و سیاست انرژی فعال داخلی و خارجی، از یکسو سهم کمتری از مخازن انرژی مشترکی که با دیگر کشورهای همسایه داریم نصیب کشور می‌شود، و از سوی دیگر از توان تولید انرژی کشور کاسته خواهد شد و بالعکس، در صورت اتخاذ سیاست‌های انرژی مناسب و دیپلماسی انرژی سنجیده، بخش انرژی کشور از چنین تهدیدهایی به دور خواهد بود. جذب سرمایه‌گذاری که نتیجه دیپلماسی انرژی فعال و پویا است، می‌تواند با فعال کردن بخش صنعت انرژی و راه‌اندازی موتور پروژه‌های گازی و نفتی به افزایش توان تولید انرژی کشور کمک کند. تحریم‌های بین‌المللی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و تأثیرگذار بر حوزه انرژی این کشور باعث شده است دیگر کشورهای منطقه، مانند عراق و قطر از فرصت پیش آمده استفاده کرده و جایگاه خود را در بازار انرژی ارتقاء دهند. کشور قطر بعد از ایران دارای بیشترین میزان ذخایر گازی منطقه خلیج فارس است. منطقه گازی پارس جنوبی بین ایران و این کشور مشترک است و هر دو کشور از آن بهره‌برداری می‌کنند. در واقع، قطر و ایران درصدد تولید و

سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی و همچنین واردات و خرید انرژی از ایران لطمه‌ی بزرگی بر امنیت انرژی ایران وارد کرده است. در راستای کاهش تهدیدهای ناشی از تحریم‌ها، جمهوری اسلامی خود دیپلماسی انرژی خود را متوجه شرق کرد تا بتواند خلاءهایی را که از سوی تحریم‌ها حوزه صنایع انرژی کشور را تهدید کرده بود، کاهش دهد. اما چون شرق نتوانست جوابگو و تأمین کننده امنیت تقاضای انرژی ایران شود، دیپلماسی غرب محور را در دوره دولت روحانی در پیش گرفت. نتیجتاً اینکه دیپلماسی انرژی نقش برجسته‌ای در امنیت انرژی ایران دارد که در دهه اخیر رقبای منطقه‌ای از خلاء موجود در دیپلماسی انرژی استفاده کرده و امنیت انرژی ایران را با چالش‌های جدی مواجه ساخته‌اند.



نمودار ۴) وضعیت تولید نفت عراق از ۲۰۰۵ تا بعد

با توجه به داده‌های سازمان‌های بین‌المللی و مراکز مطالعاتی جهانی در حوزه انرژی، بنظر می‌رسد که در آینده مهمترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان عربستان سعودی، قطر، روسیه، عراق و ایران باشند و در عین حال به دلیل فراز و نشیب در قیمت حامل‌های انرژی و مسائل

صنعت نفت و بازار نفت تحت تأثیر این تحریم‌ها، خلاء دیپلماسی کشور و همچنین رقابت‌های کشورهای نفتی منطقه قرار گرفته است. با افزایش تحریم‌های نفتی، تولید، انتقال و بازار نفت جمهوری اسلامی ایران با تهدیدهای جدی مواجه شد. رقبای نفتی ایران این فرصت را غنیمت شمرده و با اتخاذ دیپلماسی مناسب جایگاه خود را ارتقاء دادند. همانطور که در نمودار ۳ و ۴ نشان داده شده است، کشور عراق در چند سال اخیر توانسته است تولید نفت خود را افزایش دهد و برعکس میزان تولید نفت ایران تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی کاهش پیدا کرده است. کشور عراق با جذب سرمایه‌گذاری کشورهای غربی، اروپایی و شرقی درصدد است تا جایگاه ایران را در تأمین نفت اروپا و غرب پر کند.



نمودار ۳) تولید نفت در ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (بر حسب ۱۰۰۰ بشکه در روز)^۱

همانگونه که نشان داده شد هرچقدر دیپلماسی انرژی فعال‌تر و سنجیده‌تر باشد، میزان بهره‌وری و تولید انرژی (گاز و نفت) افزایش پیدا خواهد کرد. تحریم‌ها در سال‌های اخیر باعث محدود شدن دیپلماسی انرژی ایران گردیده است؛ تحریم‌ها با منع شرکت‌ها و کشورهای مختلف برای

^۱ BP Statistical Review of World Energy June 2015 (bp.com/statisticalreview, observed at 1/2/2016)



تهران درصدد است تا روابط اقتصادی‌اش را با همسایگان عرب و همچنین همسایگان شمال دریای خزر از طریق صادرات نفت، گاز، تولیدات نفتی و برق گسترش دهد. علاوه بر این با اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالا دستی خود، ایران می‌تواند با سرمایه‌گذاران بین‌المللی روابط طولانی مدت برقرار سازد (Wakhshuri, Ibid: 20).

همانطور که گفته شد مهمترین تحریم‌های اعمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی بوده است که علاوه بر تولید انرژی، بر بازار انرژی جمهوری اسلامی ایران تأثیر فراوانی داشته است. در صورت برداشته شدن کامل تحریم‌ها (پسا برجام)، مهمترین تغییراتی که ممکن است اتفاق بیافتد مربوط به قیمت انرژی و بازار انرژی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران برای استقرار مجدد در حوزه انرژی باید دیپلماسی متفاوتی را در پیش بگیرد. می‌توان گفت مهمترین اقداماتی که در این راستا باید انجام شود به قرار زیر است: گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای همسایه در راستای افزایش امنیت انرژی کشور؛ افزایش مشوق‌ها و انگیزه برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری در صنایع انرژی کشور؛ تلاش برای دستیابی مجدد به جایگاه خود در جریان نفتی بازار جهانی و ایجاد چارچوبی برای مصرف بهینه انرژی؛ اقدامات مناسب جهت مقاومت کشور در برابر تحریم‌ها و محدودیت‌های احتمالی در آینده براساس دکترین اقتصاد مقاومتی.

۵- تجارت، دیپلماسی و امنیت انرژی ایران

همانگونه که گفته شد با اتخاذ دیپلماسی فعال و سنجیده می‌توان به تولید بیشتر انرژی و به دنبال آن امنیت انرژی

سیاسی و امنیتی، رویکرد سرمایه‌گذاری در این بخش نوسانات فراوانی خواهد داشت. اما با توجه به اصل کمیابی منابع مالی و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی، جمهوری اسلامی ایران در جهت استفاده از سرمایه‌گذاری جدید نیازمند تدوین برنامه‌های فوری و آنی در ارتباط با جذب سرمایه خارجی می‌باشد. در غیر این صورت دیگر کشورها همچون عربستان، قطر، امارات، روسیه و کویت آرام آرام بازار سرمایه را به داخل مرزهای خود کشانده و از آنها استفاده می‌نمایند.

جذب سرمایه‌گذاری در دو بخش تولید و فراوری انرژی به امنیت انرژی و امنیت اقتصادی یک کشور کمک خواهد کرد. بخش انرژی در اقتصاد ایران از موقعیت استراتژیک و منحصر به فردی برخوردار است، اما خام‌فروشی و کم-توجهی به تولید و صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، تولید و صادرات غیرنفتی مهمترین نقطه آسیب‌پذیری اقتصاد ایران به شمار می‌رود. بنابراین یکی دیگر از مواردی که می‌توان با بکارگیری دیپلماسی انرژی مناسب آن را رفع کرد، جذب سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی و افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی و گازی کشور از طریق ایجاد بسترهای همکاری با دیگر کشورها است.

ایجاد روابط بلندمدت انرژی بخش مهمی از دیپلماسی انرژی ایران است، بطوریکه خواهان جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای یک دوران طولانی است. رسیدن به توافق هسته‌ای با گروه ۵+۱ و با توجه به تحریم‌های پیشین، در این موقعیت برای ایران یک فرصت برای در رفتن از حالت انزوا و برقراری روابط بین‌المللی با شرکای خود می‌باشد.

کشورهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه نیز با سرعت بیشتری در حال افزایش است. تا جایی که در سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد افزایش تقاضا مربوط به کشورهای در حال توسعه مانند هند و چین است.^۱ چنین روندهای افزایشی تقاضای انرژی از سوی کشورهای آسیایی به همراه تقاضای نفت و گاز کشورهای اروپایی^۲ و با در نظر گرفتن پتانسیل بالای جمهوری اسلامی ایران در تأمین انرژی مورد نیاز آنها بیانگر این نکته است که ایران باید دیپلماسی انرژی خود را برای جذب بازارهای انرژی بکار گیرد. با قرار گرفتن در جایگاه مناسب بازارهای جهانی انرژی، ایران از یکسو نفت و گاز خود را با قیمت مناسب‌تری به فروش می‌رساند و از سوی دیگر طرف‌های تجاری ایران به تدریج با ورود به صنعت نفت و گاز به توسعه این بخش کمک خواهند کرد، نهایتاً اینکه با اتخاذ دیپلماسی سنجیده و جذب بازارهای مناسب انرژی امنیت انرژی پایدارتری برای کشور رقم خواهد خورد.

۷- لوله‌های انتقال و امنیت انتقال انرژی

تولید انرژی (نفت و گاز) از سوی تولید کننده و دریافت انرژی از سوی مصرف کننده انرژی یک فرایندی طولانی است. برای صادرات انرژی از تولید به مصرف و طی این فرایند مسیری طی می‌شود که ممکن است دچار تهدیدات مختلفی قرار گیرد. بسته به نوع انتقال انرژی تهدیدات مختلفی امنیت انرژی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. معمولاً انتقال انرژی از طریق لوله‌های انتقال نفت و گاز و

بالاتری دست یافت. از دیگر جنبه‌های امنیت انرژی که مستقیماً به دیپلماسی مربوط است، تجارت انرژی و به عبارت بهتر دسترسی به بازار انرژی، صادرات و انتقال آن است؛ کشورها با ایجاد تعامل و همکاری در تبادلات انرژی در پی کسب سود بیشتر هستند. در این راستا دیپلماسی انرژی به مثابه کاتالیزور و سرعت دهنده به این همکاری‌ها عمل خواهد کرد. در ذیل به نقش دیپلماسی انرژی در جذب بازارهای انرژی و انتقال انرژی که همگی از شاخص‌های اصلی امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران هستند پرداخته می‌شود.

۶- جذب بازارهای انرژی

دیپلماسی انرژی با فراهم کردن اطلاعات در مورد فرصت‌ها و محدودیت‌های بازارهای انرژی به امنیت انرژی کشور کمک می‌کند. وجود آمارهای دقیق، جامع، روزآمد و مطمئن جهت نظارت بر وضعیت انرژی در سطح ملی و بین‌المللی بسیار ضروری است. از اینرو دیپلماسی انرژی با کسب آمارها و اطلاعات انرژی اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های بخش انرژی را آسان‌تر و سنجیده‌تر خواهد کرد. براساس پیش‌بینی‌های انجام شده توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) تا سال ۲۰۳۰ تقاضا برای انواع انرژی روندی روبه رشد خواهد داشت. این پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تقاضا برای نفت خام و گاز طبیعی با رشد متوسط سالانه حدود ۱.۲ و ۱.۷ درصد در حال افزایش است. این رشد تقاضا برای منابع نفت خام و گاز طبیعی علاوه بر

^۱ EIA, 2009

^۲ افزایش ۲۸ میلیارد متر مکعبی واردات گازی اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۰ نسبت به ۲۰۱۴ در کنار تمایل آنها در کاهش وابستگی به واردات گازی به روسیه به مثابه فرصتی برای ایران است تا بازارهای انرژی اتحادیه یاد شده را از آن خود کند.



شود تا امنیت انتقال انرژی (امنیت انرژی) برای جمهوری اسلامی ایران ارتقاء یابد.

۸- دیپلماسی و مصرف انرژی در ایران

دیپلماسی انرژی، اصلاح الگوی مصرف، الودگی‌های محیط

زیستی و امنیت انرژی ایران

محیط زیست به دلیل اهمیت روزافزون آن تبدیل به مسئله‌ای شده است که در دهه‌های اخیر در مجامع بین‌المللی به شدت بر آن تأکید می‌شود. تهدیدهای ناشی از تخریب محیط زیست نیز از دیگر عواملی هستند که امنیت انرژی را با چالش مواجه ساختند. از دیگر ابعاد امنیت انرژی که برای ایران مطرح است، انرژی هسته‌ای، بادی و دیگر انرژی‌های پاک و به عبارت دیگر امنیت محیط زیستی است. به دلیل کاهش آلودگی ناشی از سوخت‌های تجدیدپذیر نسبت به نفت و گاز، با افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های انرژی پاک مثل آب، باد و هسته‌ای می‌توان تهدیدهای محیط زیستی را کاهش داد. بنابراین تقویت امنیت محیط زیستی به صورت مستقیم بر ارتقای سطح امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد.

تخریب زیست محیطی بر امنیت افراد، جوامع و دولت‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. از جمله عوامل دخیل در تخریب محیط زیست و یا به عبارت بهتر آلوده کردن محیط زیست، صنایع انرژی (نفت و گاز)، سوخت‌های انرژی و گاز-های تولیدی توسط این سوخت‌ها هستند. بنابراین می‌توان گفت یکی از مهمترین تهدیداتی که امنیت انرژی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مسئله آلودگی ناشی از سوخت‌های فسیلی انرژی‌زا است. در اینجا مسئله قابل قبول بودن که یک بعد از امنیت انرژی است به چالش کشیده می‌شود. این

همچنین صادرات از طریق آبهای آزاد و آبراه‌ها بوسیله کشتی نفتی صورت می‌گیرد.

انتقال نفت و گاز و لوله‌های انتقال انرژی برای کشور میزبان منافع زیادی به همراه خواهد داشت. بنابراین کشورهایی که در مسیرهای انتقال انرژی قرار دارند، سعی می‌کنند با دیپلماسی و سیاست مناسب با کشورهای انتقال دهنده انرژی به توافق برسند و آنها را به سوی خود جذب نمایند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و وضعیت ممتاز خود به عنوان مسیر عرضه و تقاضای انرژی می‌تواند با اتخاذ دیپلماسی فعال وضعیت فعلی خود را در این زمینه ارتقاء دهد. ناامنی‌های اخیر بوجود آمده در کشورهای همسایه به همراه امنیت نسبی و پایدار موجود در سرزمین ایران، فرصت مناسبی است تا کشور مسیر انتقال انرژی جهانی را بیش از پیش به خود وابسته سازد. این وضعیت اولاً به صورت مستقیم برای ایران درآمدزایی خواهد داشت و دوماً وابستگی کشورهای خریدار و فروشنده انرژی به ایران بیشتر شده که به خودی خود برای کشور مفید خواهد بود؛ خطرات امنیتی برای زیرساخت‌ها، تأسیسات، شخصیت‌ها و دانشمندان حوزه انرژی و منابع انرژی به کرات به عنوان یکی از منابع ایجاد نگرانی در مباحث بین‌الملل ذکر شده است. گروه‌های تروریستی اعم از داخلی و خارجی، قاچاقچیان بین‌المللی و دزدان دریایی می‌توانند تهدیداتی علیه مسیرهای انتقال، خطوط لوله و تأسیسات و زیرساخت‌های انرژی وارد کنند. با وابستگی بیشتر کشورهای صادر کننده و وارد کننده انرژی به ایران، مبارزه با تهدیدهای تروریستی علیه بخش انرژی با جدیت بیشتر انجام می‌شود و این امر باعث می-

محیط زیست می‌توان با کشورهای جهان همراه شد و مسلماً با شرکت در اجلاس‌های جهانی و با در نظر گرفتن استانداردهای جهانی و عمل به آنها، آلودگی‌های زیست محیطی بهبود پیدا خواهد کرد. دوماً با اتخاذ دیپلماسی فعال داخلی و اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی اصلاح الگوی مصرف و اتخاذ استانداردهای درست مصرف، مصرف انرژی در کشور بهبود پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی دو مقوله جدای از هم نیستند و به عبارت بهتر سیاست‌گذاری و دیپلماسی انرژی تأثیر شگرفی بر امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران دارد. ورود تکنولوژی نوین، ورود و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دستیابی به بازارهای انرژی و خریداران متنوع انرژی، فروش با قیمت مناسب، مصرف انرژی طبق استانداردهای جهانی و همچنین میزان تولید و بهره‌وری انرژی مستقیماً با دیپلماسی انرژی در ارتباط هستند. هرچقدر جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ دیپلماسی انرژی سنجیده و فعال کوتاهی کند، بالطبع رقبای منطقه‌ای و جهانی از فرصت استفاده خواهند کرد و براساس اصل رقابت در حوزه انرژی از ایران جلو خواهند زد. بنابراین تدوین و اجرای مجموعه‌ای از اقدامات دیپلماتیک در جهت ارتقای جایگاه انرژی کشور لازم و ضروری خواهد بود. مسلماً با اتخاذ دیپلماسی مناسب، فعال و سنجیده امنیت انرژی پایداری را شاهد خواهیم بود.

یکی از مهمترین جنبه‌های دیپلماسی فعال، بالا رفتن سطح همکاری و افزایش وابستگی متقابل با کشورهای

نوع تهدید را می‌توان هم از منظر داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مدنظر قرار داد؛ یعنی این تهدید، به دلیل اینکه غیرقابل کنترل است، تهدیدی جهانی و فراگیر است و همه دولت‌ها را متوجه خود می‌سازد.

جهان امروز در مسائل زیست محیطی نیاز به یک همگرایی واقعی دارد. مرزهای سیاسی امروزه نمی‌تواند مانع از ورود و تهاجم بحران‌های زیست محیطی از یک سرزمین به سرزمین دیگر شود. ایجاد امنیت زیست محیطی (در اینجا به عنوان جزئی از امنیت انرژی) صرفاً با تشریک مساعی همه کشورهای یک منطقه جغرافیایی و در ابعاد بزرگتر همه کشورهای جهان همراه خواهد بود. قطعاً آلودگی‌های زیست محیطی و بحران‌های ناشی از آن که در ابتدا در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل نداشتن قوانین مدون زیست محیطی، می‌تواند امنیت ملی این کشورها را به چالش بکشد و در آینده مانند موجی به کشورهای توسعه یافته خواهد رسید. توجه سیاست‌مداران بزرگ جهان و صدور بیانیه‌های متعدد در رابطه با گرم شدن کره زمین در کنار مسائل مهم امنیتی جهان در کنفرانس‌ها و جلسات امنیتی مؤید توجه به این نکته می‌باشد (علیزاده و پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۸). بنابراین می‌توان گفت تهدیدات زیست محیطی یکی از عوامل مهم هستند که می‌تواند امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره و چالش بکشد.

دیپلماسی انرژی از دو طریق می‌تواند امنیت محیط زیستی که بخش مهمی از امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران است را بهبود ببخشد؛ اولاً به دلیل جهانی بودن مسائل محیط زیستی با به‌کارگیری دیپلماسی فعال در زمینه



تشبیت و عملیاتی کردن موقعیت استراتژیک خود در ترانزیت انرژی می‌توان از شدت اینگونه تهدیدات کاست.

پیشنهادها و راهکارها

۱- شناسایی تهدیدهای حوزه انرژی و مقابله به موقع با آنها؛

۲- درخصوص امنیت تولید انرژی، باید اطمینان و ثبات در خصوص ذخایر و تأمین انرژی برای مشتریان نفت و گاز فراهم کرد تا از این راه بتوان سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نمود؛

۳- استفاده از نیروهای بومی، تحصیل کرده‌های حوزه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و دیگر رشته‌های مرتبط و گسترش مراوده با کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل.

۴- گسترش آموزش‌های حوزه انرژی و دیپلماسی انرژی و پرداختن به مسائل آن از طریق برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌های تخصصی در سطح کشور؛

۵- ایجاد رشته‌های مربوط به انرژی در اکثر دانشگاه‌ها و ارائه درس‌های مربوط به حوزه انرژی کشور؛

۶- توانایی تأثیرگذاری بر بازار و امنیت انرژی با به‌کارگیری تمامی نیروهای انسانی و استفاده از پتانسیل‌ها حوزه انرژی برای تولید بیشتر انرژی ...

فهرست منابع

فارسی:

۱- آذری، مصطفی و ابراهیمی، ایلناز (۱۳۸۶)، چشم‌انداز انرژی در خاورمیانه و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی خواهد بود. با افزایش میزان وابستگی متقابل بین ایران و دیگر کشورها، تهدیدهای حوزه انتقال انرژی به راحتی کنترل خواهد شد و این امر باعث می‌شود تا امنیت انتقال انرژی و به دنبال آن امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران ارتقاء پیدا کند. امنیت زیست محیطی نیز از دیگر جنبه‌های امنیت انرژی است که متأثر از دیپلماسی انرژی می‌باشد و با تمرکز دیپلماسی در این بخش، آلودگی‌های محیط زیستی (که امروزه به عنوان یک معضل برای شهرهای بزرگ مطرح است) در جمهوری اسلامی ایران به حداقل خواهند رسید.

در دهه‌های اخیر تحریم‌های بین‌المللی به مثابه قفلی بر دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است به طوری که امنیت انرژی کشور را با چالش جدی مواجه ساخته است. تحریم‌ها دیپلماسی انرژی غرب‌محورانه را از طریق منع شرکت‌ها و دولت‌های غربی برای سرمایه‌گذاری، انتقال تکنولوژی، خرید نفت و گاز خنثی کرد. از اینرو در جهت کاهش تهدیدات ناشی از تحریم‌ها و دیگر محدودیت‌ها، ایران ناچار است به بازبینی و بازسازی دیپلماسی انرژی خود مبادرت ورزد. در حوزه داخلی با ایجاد تنوع در سوخت مصرفی و همچنین کاهش مصرف داخلی از طریق بهینه‌سازی مصرف انرژی و در حوزه دیپلماسی خارجی از طریق تنوع دادن به شرکای تجاری در حوزه انرژی، فراهم کردن زیرساخت و زمینه برای جذب سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد انگیزه و مشوق برای سرمایه‌گذاران و همچنین ایجاد قراردادهای بلندمدت نفتی و گازی با کشورهای سرمایه‌گذار و شرکت‌های نفتی بزرگ و تلاش در جهت



- ۲- استیو، اسمیت و جان، بلیس (۱۹۸۹)، **جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین**، مترجم: ابولقاسم راه‌چمنی، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۳- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱)، «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، **فصلنامه راهبرد**، س ۲۱، ش ۶۴.
- ۴- بهجت، جودت (۱۳۹۳)، **امنیت انرژی (رویکردی میان‌رشته‌ای)**، مترجم: عسگر قهرمانپور و رحمان قهرمانپور، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۵- تانزر، مایکل (۱۳۶۲)، **بحران انرژی**، مترجم: محمود ریاضی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۶- سوواکل، بنجامین (۱۳۹۱)، **مرجع امنیت انرژی**، مترجم: علیرضا طیب، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۷- شهابی، سهراب و همکاران (۱۳۹۲)، «دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده گاز»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۸۱.
- ۸- صفوی، یحیی و مهدیان، حسین (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک انرژی ایران و اهمیت انرژی شرق (چین و هند)»، **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی**، س ۲، ش ۲.
- ۹- عسگریان، حسین (۱۳۹۰)، **کتاب آسیا (۷): ویژه روابط ایران و چین**، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۰- علیزاده، عمران و پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۹۰)، «امنیت زیست-محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، **چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)**، س ۶، ش ۱۴.
- ۱۱- معین‌الدینی، جواد و انتظار‌المهدی، مصطفی (۱۳۸۹)، «امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی روسیه»، **فصلنامه دانشنامه**، ش ۷۸.
- ۱۲- ملکی، عباس (۱۳۹۳)، **سیاستگذاری انرژی**، تهران: نشر نی.
- ۱۳- هدایتی‌خمینی، عباس (۱۳۸۵)، **مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی انرژی و امنیت: دیدگاه آسیایی**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- لاتین:
- 1- BP Statistical Review of World Energy June (2015). (bp.com/statisticalreview, observed at 1/2/2016).
- 2- Busan, Barry, Ole Waver, & Jaap de Wilde (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. United State of America: Lynne Rienner Publishers, Inc.
- 3- Dukert, Joseph. M (2009). *Energy*. New York: Greenwood Press.
- 4- OPEEC (2004). Spot Crude Oil Prices 1980-2003. *Annual Statistical Buiietin*. (www.opec.org observed at: 2/2/2016).
- 5- Stone, Marianne (2009). *Security According to Busan: A Comprehensive Security Analysis*. Columbia University. *School of International and Public Affairs*. Groupe d'Etudes et d'Expertise "Sécurité et Technologies" GEEST.
- 6- Tang, James (2006). *With the Grain or Against Grain? Energy Security and Chinese Foreign Policy in the Hu Jintao Era*. Hong Kong: *The Brookings Institution*. (www.brookings.edu, observed at: 1/2/2016).
- 7- Waghshouri, Sara (2015). *Iran's Energy Policy after the Nuclear Deal, Atlantic Council Policy on Intellectual Independence*.